

چگونگی استفاده داعیان ایرانی از کلام و فلسفه در تحکیم اقتدار امامت فاطمی

زهرا رؤفی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

raoufi.z@yahoo.com

سید علیرضا واسعی (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه فرهنگ و تمدن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، تهران، ایران. a.vasei@isca.ac.ir

محمود سید

استادیار، گروه تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mahmood.seyyed@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۳ - صفحه ۲۵۴-۲۳۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۸

چکیده:

یکی از مهم ترین فعالیت های هسته مرکزی دعوت، شامل تالیف آثاری در الهیات-کلام-فلسفه-فقه با تاکید بر اندیشه امامت محوری به عنوان اصول دین به تحلیل و اثبات حقانیت نص امامت فاطمیان می پردازد. در این مرحله داعیان ایرانی به عنوان کارگزاران ایدئولوژی خلافت، تلاش نمودند از طریق فعالیت نظری به تدوین آثار کلامی-فلسفی در تبیین ساخت قدرت مذهبی-سیاسی فاطمیان بپردازند. داعیان و متفکران ایرانی با تکیه بر تعالیم شیعی و آشنا با فلسفه و حکمت و با استعمال آیات و احادیث در تبلیغ و تبشیر و تعالی سیادت اثرگذار امام-خلیفه فاطمی نقش بارزی ایفا نمودند. تلاش داعیان در دربار فاطمی تلفیق علم ودین بود و از طریق آن دو در پی اثبات و تبیین علمی اقتدار امامت فاطمی در برابر مخالفان و رقیبان بودند، بطوری که داعیانی چون کرمانی، سجستانی، الموید شیرازی، ناصر خسرو و... با توجه به اوضاع سیاسی-مذهبی عصر خویش خواستار تحکیم قدرت سیاسی-مذهبی خلافت فاطمی در برابر مخالفان و رقیبان بودند، چنانکه ابویعقوب سجستانی با روش تحلیل عقلانی و علمی، امامت فاطمیان را تحلیل و تفسیر نمود.

کلید واژگان: داعیان ایرانی، نهاد دعوت، فاطمیان، کلام و فلسفه

۱. مقدمه:

خلفای فاطمی با هدف نشر قدرت سیاسی و بسط عقاید اسماعیلی، با تاسیس نهاد دینی، خواستار نشر و رشد فرهنگ اسماعیلی در جهان اسلام بودند. در این راستا، ائمه فاطمی از

همان ابتدا با هدف تاثیرگذاری در ابعاد نظری و علمی بر ساختار سیاسی- اجتماعی و فرهنگی جامعه مصر، مذهب اسماعیلی را کیش رسمی جامعه مصر اعلام نمودند(باد کوبه هزاره، ۱۳۸۹: ص ۳۰). درچنین شرایطی، مبلغان و متفکران سازمان دعوت فاطمی، از طریق کارکرد نظری و عملی با تبیین و تحلیل تفکر اسماعیلی تلاش نمودند دعوت را از طریق مسالمت آمیز در خارج و داخل قلمرو فاطمیان نشر دهند. از این منظر، نقش مذهبی داعیان ایرانی به عنوان کارگزاران خلافت فاطمی بسیار مهم است. از شاخص های مهم راهبرد داعیان ایرانی در مشروعیت دادن به رهبری خلفای فاطمی می توان به عملکرد آنان در تالیف آثار به نظم و نثر در جهت تبیین امامت فاطمی و تدریس و انجام مناظرات علمی با مخالفان اشاره نمود. با توجه به اهمیت عملکرد گروه ها و هسته های دعوت در نشر عقاید فاطمی، در این مرحله فقها- ادبا- شعرا- متکلمان و فلاسفه اسماعیلی تلاش بی وقفه در تعالی فرهنگ، ادبیات فرهنگ، کلام و فلسفه فاطمی داشتند. اندیشمندان و خردمندان فاطمی، ضمن تعالی و جاهت مقام اثرگذار امام، منزلت رهبری دینی و دنیوی امام- خلیفه فاطمی را تبیین نموده و با اتخاذ این روش خواستار تحکیم ساختار قدرت مذهبی- سیاسی فاطمی، در مشرق و مغرب اسلامی بودند. بدین منظور، مقاله حاضر در پی آن است تا با کاویدن منابع و با رویکردی توصیفی- تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که داعیان ایرانی نهاد دعوت چگونه از کلام و فلسفه در تحکیم اقتدار امامت فاطمی بهره جستند؟ در پاسخ به این سؤال فرضیه مطرح این است که: تلاش داعیان دربار فاطمی تلفیق علم و دین بود و از طریق آن دو در پی اثبات و تبیین علمی اقتدار امامت فاطمی در برابر مخالفان و رقیبان بودند. به جهت دسته بندی عملکرد داعیان، مقاله حاضر ضمن برشمردن فعالیت های داعیان ایرانی در تبلیغ و ترویج مبانی فکری و اندیشه ای فاطمیان، عملکرد آنان را در تبلیغ و ترویج ایدئولوژی فاطمی در هسته های مرکزی دعوت با رویکردی به فلسفه و کلام بررسی و تحلیل می کند.

۲-۱ نقش داعیان ایرانی در دعوت امیران محلی

نخستین گروه از هسته های مرکزی دعوت، شامل فعالیت و عملکرد سیاسی داعیان به طریق دعوت انفرادی و ارتباط مستقیم با خواص و امراست، این دسته از داعیان، با تشکیل کانون های مقاومت در جزایر دعوت تلاش بسیاری در جذب افراد نمودند (جان احمدی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۱). از اقدامات مهم داعیان ایرانی در سازمان دعوت جذب امرا و خواص به خلافت فاطمی بود. از این رو برای تبیین اقتدار خلافت فاطمی موظف بودند بر عقاید و آراء افراد خاص و با قدرت نفوذ کنند. بطور نمونه، داعی فارس، «الموید فی الدین شیرازی» با فعالیت در بعد عملی و ارتباط مستقیم تلاش نمود «ابوکالیجار امیر بویه» را جذب دعوت نماید. موفقیت داعی در دربار امیر بویه، خطری برای خلافت عباسی و اهل سنت بود. لذا، دشمنان تلاش نمودند امیر را از داعی دور کنند، در این مرحله داعی به جهت منع سست شدن اعتقادات امیر از ابزار عقلی و نقلی استفاده نمود. داعی در مراحل اولیه به جهت تاکید بر عقاید خویش از آیات و احادیث نبوی استفاده نمود، اما با گسترش مخالفت ها، در مرحله بعدی از طریق تمثیل، راه درست را به امیر گوشزد نمود (شیرازی، ۱۹۴۹: ص ۵۴) او را نصیحت نمود که خداوند تو را از خواب بیدار کرد (همان: ص ۵۵).

۲-۲ نقش داعیان ایرانی در توسعه نهاد دینی و تعلیمی فاطمیان

دسته دوم از فعالیت های هسته دعوت، شامل تدریس و تربیت طلاب در مدارس علمی به جهت ترویج فرهنگ فاطمی در جامعه اسلامی بود. در این بخش داعیان ایرانی با مدیریت سازمان دعوت در خارج و داخل قلمرو دعوت و با استعمال ابزار فرهنگی، خواستار تحکیم قدرت مذهبی - سیاسی فاطمیان در خارج و داخل قلمرو دعوت بودند تا بدین روش با جذب افراد بر پیروان خلیفه فاطمی بیفزایند. ایرانیان در زمان مدیریت نهاد

دعوت، برقراری مجالس علمی را به اذن امام بر عهده داشتند. آنچه‌آنکه حجت‌العراقین حمید‌الدین کرمانی با ورود به قاهره در مجالس داعی‌الدعاه قاهره ختکین‌الضیف حاضر شد و به پرسش‌های پیروان پاسخ علمی داد، زیرا در این عصر غلات دروزی (بدره‌ای، ۱۳۷۴: ص ۶۳/۲-۷۴۵) با ترویج اندیشه‌های خویش عاملی برای ایجاد تفرقه و آشوب جامعه اسماعیلی شده بودند. فرایند تعلیم و تدریس در میان داعیان ایرانی عصر المویدفی‌الدین شیرازی پی‌گیری شد؛ او نیز از نام‌آوران اندیشه و تفکر اندیشه اسماعیلی است که در نشر فرهنگ فاطمیان نقش بارزی ایفا نمود. الموید در مدت اقامت در قاهره در دارالعلم و در مجالس اصول عقاید اسماعیلی با استدلال فلسفی و استناد به آیات و احادیث تدریس نمود، در مجالس وی موضوعاتی همانند تنزیه و توحید خداوند- اعتراف به نبوت و عصمت انبیا- شرح دلایل علمی و دینی در مقام وصایت و امامت علی (ع) و تاکید بر ولایت ائمه و عصمت آنان و ابطال رای و قیاس در امور دین و وجوب اخذ از ائمه- تاکید بر تصدیق قرآن در عمل به ظاهر و باطن را تدریس می‌گردید (شیرازی، ۱۹۹۸: ص ۶).

۲-۳ نقش داعیان ایرانی در مناظرات علمی و مذهبی

داعیان ایرانی از طریق مناظرات علمی، تدریس و تالیف به تبیین و تحکیم اقتدار امامت فاطمی و رد دیدگاه مخالفان می‌پرداختند. از جمله داعیان ایرانی حمید‌الدین کرمانی، الموید فی‌الدین شیرازی و ناصر خسرو با مناظرات علمی در نشر و تثبیت قدرت مذهبی و سیاسی فاطمیان در برابر مخالفین نقش به‌سزایی داشتند.

اهمیت علمی و مذهبی الموید فی‌الدین شیرازی زمانی آشکار تر می‌شود که وی علاوه بر اخذ مقام داعی‌الدعایی در نظام دعوت، ریاست مجالس‌الحکمه را نیز به عهده گرفت. وی در مجالس‌الحکمه مامور تعلیم عقاید اسماعیلیه بود. (ایمن فواد، ۲۰۰۷: ص ۵۷۷) یکی از مهم‌ترین وظایف ایرانیان در زمان نهاد دعوت برقراری مجالس علمی به اذن امام به

منظور تبیین مشروعیت خلافت در برابر مخالفین و رقبا بود. در این زمان حمیدالدین کرمانی با تسلط بر دانش اسماعیلی در کنار دیگر علوم، اندیشه درست اسماعیلیان را تدریس کرد. وی در مجالس مباحثه و مناظره علمی در دارالعلم تدریس می کرد. داعیان با برهان های کلامی-فلسفی و مذهبی راه جدیدی برای نگرش به جهان و بیان نقش انسان ارائه دادند تا با تلفیق حقیقت دینی با حقیقت علمی دعوت شبه سیاسی امام فاطمی را نشر دهند.

دسته سوم از هسته های دعوت، شامل اقدامات تبلیغی- تبشیری و برقراری مجالس و مناظرات علمی- کلامی در دارالحکمه بود. مناظرات از ابزار مهم اقتدار خلافت فاطمیان به شمار می آمد؛ زیرا با این روش جامعه را با آراء و اندیشه های فاطمیان آشنا نمودند. در این مرحله متفکران موظف بودند وجاهت قدسی امام در دیدگاه پیروان را متعالی کنند. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ص ۲۳۳). با توجه به مقام مذهبی و علمی داعیان ایرانی در سازمان دعوت، آنها از پایه های اصلی ساختار قدرت فاطمی در تبلیغ و نشر دعوت بودند، داعیان در عصر خویش به دلیل تسلط علمی و توانایی آنان در فقه- کلام و حکمت اسماعیلی با انجام مناظرات علمی با برجستگان علم و مذهب و پاسخگویی به سوالات و شبهات دیگران تلاش نمودند مبانی اقتدار خلافت فاطمی را در جهان اسلام تبیین علمی نمایند. به استناد منابع فاطمی و غیر فاطمی داعیانی همانند حمید الدین کرمانی در مدت اقامت در قاهره در دارالحکمه تدریس نمودند. (واکر، ۱۳۷۹: ص ۲۳). کرمانی به جهت پاسخ گویی به شبهات به قاهره فراخوانده شد، (همان: ص ۲۴-۵۰) وی با انجام مناظرات علمی به اثبات حقانیت امامت فاطمی پرداخت، کرمانی اوضاع قاهره مرکز خلافت اسماعیلی در این زمان اینگونه توصیف می کند:

"...رعایت رسوم پیشین فرو گذاشته شده مردم و اولیای دین به سبب آنچه آمده بود از آنها اعراض کرده بودند. برگزاری مجالس الحکمه که بدانها سود می رسانید تعطیل گشته بود. بلند پایگان خوار شده و فرومایگان رفعت یافتند..." (کرمانی، ۱۹۸۳: ص ۱۱۳-۱۱۴).

داعی ایرانی، الموید فی الدین شیرازی، علاوه بر تبلیغ دعوت در میان سپاهیان دیلم و جذب ابوکالیجار، در فارس به مناظرات علمی با مخالفان پرداخت، نمونه ای از مهم ترین مناظرات الموید مناظره با فردی زیدی مذهب بود که در حضور ابوکالیجار صورت گرفت. در این مناظره کلامی توانایی علمی و مذهبی داعی ایرانی الموید کاملاً مشهود بود. (سیده داعی الدعاء الموید فی الدین داعی الدعاء، ص ۵۸، ۷۵)

۲-۴۵۴ اعیان ایرانی در عرصه ی کلام و فلسفه

مرحله ای از فعالیت هسته های دعوت، شامل اشاعه اندیشه فاطمیان با محوریت امام - خلیفه به روش استدلال فلسفی است. موضوع امام و امامت یکی از اصلی ترین اصول اعتقادی شیعیان به طور عام و اسماعیلیان به طور خاص است. مطابق این اصل، امام یگانه جانشین مشروع رسول خداست (ص) و در مقام رئیس عالیه شرع در اداره امور مسلمین جایگاهی بی بدیل دارد (دفتری، ۱۳۷۵: ص ۱۰۲). این جایگاه خطیر با نقش معنوی و مهم امام در تأویل و تفسیر معنای باطنی کلام پیوندی ناگسستنی دارد (کرمانی، ۱۹۶۹: ص ۶۶-۷۳). در عقیده و باور اسماعیلیان، امام از یک سو معلم دین (ابن الولید، بی تا: ص ۶۶) و آگاه به رموز قرآن (رازی، ۱۳۷۷: ص ۲۴۸-۲۴۹) و از دیگر سو حاکم عادل منصوب الهی است. به همین دلیل، در آموزه های شیعه به طور عام و در تفکر مذهبی اسماعیلیه به طور خاص امام نخستین و مهمترین رکن دین به شمار می آید. (شیرازی، ۱۹۹۶: ص ۷۰؛ ابن خلدون، بی تا: ص ۱۹۶). از همین رو است که فرهاد دفتری این مرحله از فعالیت متفکران و اندیشمندان فاطمی را با اصطلاح «اسماعیلی گری فلسفی» ذکر نموده

است، زیرا اسماعیلیان با تلفیق وحی و تاویل، جهان‌شناسی نوینی در جهت تاکید بر مشروعیت و مرجعیت دینی و دنیوی امام فاطمی پی‌ریزی نمودند (دفتری، ۱۳۸۰: ص ۲۷۵). این روش متناسب با شرایط اوضاع سیاسی-اجتماعی-مذهبی و علمی قرون چهارم و پنجم هجری بود. در این مرحله به نظر می‌رسد استعمال اصطلاح کلام فلسفی برای فعالیت نظری داعیان ایرانی شایسته‌تر است. زیرا داعیان تلاش نمودند کلام خود را با برهان و اصطلاحات فلسفی مزین کنند.

اصطلاح کلام فلسفی فصل مشترک علم کلام و فلسفه است. معرفتی است که در آن مباحث کلامی به روش فلسفی و در قالب استدلال برهانی تبیین می‌گردد (سلطانی، ۱۳۸۴: ص ۷). پیشینه کلام فلسفی را برخی از زمان ورود کتب یونانی و ترجمه آن در عالم اسلامی می‌دانند که در این مرحله برخی فرق اسلامی همانند معتزله به جهت حل اختلافات دینی از استدلال عقلی و مطالب فلسفی استفاده نمودند. لذا خلط کلام و فلسفه توسط معتزله صورت گرفت. آنان مبانی و استدلال فلسفی را در جهت تقویت مواضع عقیدتی استعمال کردند (عطایی نظری، ۱۳۹۰: ش ۲۶: ص ۷۲). اما پیشینه تاریخی کلام فلسفی در میان اندیشمندان شیعی را از روزگار شیخ مفید و نوبختیان ذکر کرده‌اند. این روند در متفکران اسماعیلی همانند سجستانی و کرمانی - الموید و ناصر خسرو پی‌گیری شد، هر یک از آنان در نگارش آثار کلامی و فلسفی خویش در ارائه نظام الهیات اسماعیلی با استدلال عقلی تلاش بی‌شائبه‌ای صورت دادند.^۱

همان گونه که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی داعیان ایرانی نهاد دعوت، ارائه نظریاتی در کلام فلسفی بود. کلام فلسفی داعیان ایرانی موجب تلفیق الهیات

^۱ هر چند نظام فلسفی اسماعیلیان با دیگر متکلمان شیعه متفاوت است، زیرا اسماعیلیه اغلب از فلسفه نوافلاطونی استفاده نمود اما شیعه امامیه به فلسفه مشاء توجه کرد. (عطایی نظری، ۱۳۹۰: ص ۷۵).

و کلام اسماعیلی با عقاید نوافلاطونی گردید و عاملی برای پیدایش سنت عقلانی در الهیات اسماعیلی شد.^۲ در عصر اقتدار خلافت فاطمی، داعیان ایرانی به جهت تبیین عقاید و اصول فاطمی، کلام را با برهان های فلسفی جایگزین جدل و سفسطه کردند. از شاخص های کلام فلسفی در آثار منظوم و منثور داعیان می توان به بهره گیری از ادله و قواعد فلسفی در تبیین مباحث کلامی - استعمال ادله نقلی و احادیث پیامبر (ص) و ائمه - تاکید بر حجیت عقل در کنار تعلیم ائمه اشاره نمود. هر یک از داعیان در آثار خویش تلاش نمودند الهیات و کلام خویش را با برهان فلسفی مزین کنند.

۲-۴-۱ ابویعقوب سجستانی (متوفی سال ۳۳۱ هجری قمری)

عملکرد علمی ابویعقوب سجستانی بر کسی پوشیده نیست. سجستانی متکلم - اندیشمند اسماعیلی در عصر خویش به دلیل شرایط سخت اسماعیلیان، با برقراری مناظرات علمی در ترویج و بسط عقاید فاطمی نقش بارزی داشت. به دلیل توانایی سجستانی در عقاید اسماعیلی، وی از بزرگان دعوت در مشرق اسلامی شد. سجستانی در «کشف المحجوب» اثری کلامی را به زبان فارسی به طریق برهان فلسفی تکوین خلقت از واحد را شرح داده است. وی در این اثر خرد را در مرکز دو جهان دانست و معتقد است هر چیزی از مرکز برمی خیزد تا به محیط رسد، سپس وی به جوهر - ماهیت - کیفیت و کمیت اشاره داشت تا به این روش وحدانیت و توحید نظری را به طریق فلسفی استدلال کند (سجستانی، ۱۳۶۷: ص ۳-۱۷). سپس در مقاله پنجم «کشف المحجوب» با توجه به فلسفه اهمیت انواع معتقد است اگر تمام انواع برابر باشند عالم دچار فساد و تباهی می گردد زیرا با باطل شدن انواع عالم علوی هم باطل شده پس در نوع انسان به جهت نوع بطلان بشریت یکی بر

^۲. اما پیش از تشکیل خلافت فاطمی در مصر، اندیشمندان ایرانی همانند نسفی و ابوحاتم رازی نهضت فلسفی

اسماعیلی را در روزگار خویش بوجود آوردند.

دیگران برتری دارد تا آنان را به جهت راستی و درستی هدایت کند و این شخص کسی جز امام نیست. (همان: ص ۷۰-۷۱). سجستانی در آثارش به طریق فلسفی و کلامی امامت را تبیین نمود، به طوری که در رساله «تحفه المستجیبین» که قطعه ادبی - فلسفی در حکمت ناطقه به حقایق عالم است، در آن کلام فلسفی را با بیان ساده به طلاب و مستجیبین می آموزد. (تامر، ۱۹۵۶: ص ۱۵-۱۷).

از دیگر آثار وی در شرح جهان شناسی فلسفه نوافلاطونی در کلام اسماعیلی، کتاب «الینابیع» است. او قوای هفتگانه عقل را در این اثر بیان نمود و نیز ابتدا به ساکن توحید را با اشاره به تصور خدا در فلسفه نوافلاطونیان که خداوند قابل شناخت نیست و نیز اصل بنیادی توحید در اسلام است شرح می دهد و این دیدگاه را تا انبعاث جهان شناسی مطرح می نماید. در حقیقت وی الهیات و کلام اسماعیلی را با فلسفه نوافلاطونی آمیخت تا به مبحث تصور رستگاری عالم برسد. این تصور با اندیشه پلوتینوس درباره اتحاد عارفانه انسان و واحد برابری میکند (سجستانی، الینابیع: ص ۴۳).

سجستانی کلام را با ادله نقلی و استناد به آیات قرآن آغاز نمود و در الافتخار به جهت توجیه نص امامت آیه «و جعلناهم ائمه یهدون بامرنا» (انبیا / ۷۲). که به ضرورت امامت در هر زمان و مکانی اشاره دارد، امامت را خاص پاکان و اولیاء خدا دانست که در علم و حکمت راسخ اند و با نور آنها نفس ها از جهل و حیرت خارج می شود (سجستانی، ۱۹۸۰: ص ۶۰-۷۰). پس از آن وی به بحث کمیت - کیفیت ائمه اشاره دارد. سجستانی با اشاره به جواهر متجسمه، تعداد ائمه را هفت عدد دانست که با کمیت مطلقه برابری دارد.^۳ با توجه به دستاورد سنت عقلانی ایرانیان، آنان موضوعاتی در مضمون الهیات و فلسفه را

^۳. منظور وی از کمیت مطلقه همان خط - سطح - جسم - زمان - مکان - عدد و قول است. (سجستانی،

تلفیق کردند تا وحی اسلامی را با تاویل در آمیزند، زیرا استعمال فلسفه در عقاید آنان به جهت تقویت استدلال دینی و ایدئولوژی فاطمیان بود.^۴

۲-۴-۱۲ احمد بن ابراهیم نیشابوری

فرایند تبیین مقام ائمه بعد از سجستانی توسط دیگر داعیان دربار فاطمی تطور یافت. در زمان خلافت العزیز بالله (۳۸۶-۳۶۵ ه.ق) داعی ایرانی ساکن در قاهره «احمد بن ابراهیم نیشابوری» با ورود به قلمرو دعوت و کسب تعالیم فلسفی نظام دعوت در نشر مبانی فکری فاطمی تلاش بسیار نمود. نیشابوری به عنوان داعی الدعات قاهره در آثارش علاوه بر نحوه گزینش داعیان به توجیه علمی مقام امامت پرداخته است. وی در کتاب «اثبات الامامه» که اثری کلامی و فلسفی در شرح و تبیین امامت اسماعیلی است، در ابتدای کتاب امامت را قطب دین و اساس آن معرفی نمود. وی مقام امامت را حلقه اتصال دنیا و آخرت دانست و معتقد است به جهت اثبات امامت در ابتدا باید رسالت را اثبات نمود. وی با اشاره به آیات قرآن بر امامت ابراهیم نبی (ع) تاکید نمود که او امام و رسول بر مردم بود. (نیشابوری، ۱۹۸۴: ص ۲۷). در ادامه او بر مقام خلیفه بودن انبیاپی مانند آدم نبی و داوود نبی اشاره نمود که اسم خلیفه را یکی از اسماء ائمه دانست که وجوب آن از نظر عقلی - مذهبی و سیاسی واجب است. (همان: ص ۲۷-۲۸). وی در بخشی از اثر خود، سیاست را از منظر فلسفه مطرح کرد، و به سه نوع سیاست در فلسفه اشاره نمود. پس از آن توانایی امام در سیاست عامه - خاصه و حامه ۵ را تبیین نمود و معتقد بود امام با اخلاق فاضله کار دین-دنیا را اصلاح می کند (همان: ص ۱۷). او نیز علاوه بر استعمال آیات و احادیث در

^۴ . همچنانکه عصر خلافت المعز به جهت تبیین اقتدار فاطمیان جهان شناسی و کلام فلسفی ایرانیان مقبول وی

واقع شد. (هاجسن، ۱۳۸۷: ص ۱۸-۲۱).

° . حامة. [م] (ع) خاصةُ مرد از اهل و اولاد، و خویشان و قبيله. || شتران گزیده. در احوال
پرسی گویند: كيف الحامة و العامة.

مرجعیت دینی و دنیوی ائمه، از فلسفه به جهت تقویت کلام خود استفاده کرد. او با تلفیق کلام و فلسفه در پی تقویت و حمایت از مقام اثرگذار امام فاطمی بود، وی نیز همانند دیگر داعیان با ارائه نظریه مثل و ممثول در پی تطابق حد روحانی و جسمانی امام بود. نیشابوری امام-خلیفه را جانشین رسول و دارای صفات و اسماء عقل فعال معرفی نمود (همان:ص ۵۵). او نیز امام را ممثول نفس کلی دانست و به این طریق ضرورت امام را از نظر طبیعی-عقلی و سیاسی با ادله قرآنی و احادیث تاویل نمود.

۲-۴-۳ حمیدالدین کرمانی

در زمان خلافت الحاکم بامرا... (۴۱-۳۸۶ ه.ق) به دلیل شدت یافتن اختلافات مذهبی در مصر و استمرار مخالفت دیگر مذاهب بر علیه فاطمیان و تلاش مستمر خلافت عباسی در نقض امامت فاطمی، داعی و متفکر برجسته ایرانی «حمیدالدین کرمانی» علاوه بر شرکت در مجالس بحث و مناظره به جهت ایجاد وحدت در جامعه اسماعیلی آثاری در کلام-فلسفه تالیف نمود. وی در آثارش به تایید و تبیین عقلانی مبانی و اصول عقاید فاطمی و نقض اندیشه دیگر مذاهب پرداخت. او با تسلط کامل به فلسفه ارسطو-نوافلاطونی و تسلط بر زبان عبری و کتب مقدس عهد عتیق و متون مسیحیت سنت عقلی در پایداری دعوت را تقویت نمود، او در «راحه العقل» در کلام و فلسفه اسماعیلی تلاش نمود با تلفیق سنت های فلسفی در مکتب فاطمی جهان‌شناسی اسماعیلیان را تطور دهد. کرمانی با استعمال نظام عقول در جهان‌شناسی اسماعیلی تلاش کرد پایه های استدلال عقلی دعوت را تقویت نماید. در قله نظام جهان‌شناسی وی همانند دیگر داعیان عقیده رستگاری بشر را از طریق نیل به دانش روحانی انبیا و ائمه مطرح است، او نیز تلاش نمود با برقراری اتصال عالم جسمانی و روحانی از طریق استدلال و برهان فلسفی پیام دینی-سیاسی دعوت را

تبلیغ نماید (غالب، ۱۹۶۴: ص ۱۰۱-۱۰۲). بنابراین وی نیز با استعمال نظم نوافلاطونی تلاش کرد آراء و عقاید در موضوع نبوت و امامت را از وجه دینی و فلسفی ارائه دهد تا با طرح عبادت عملی یعنی تمسک به احکام شریعت و تاویل آنرا با کلام فلسفی یعنی کسب باطن عبادت به هدایت امام شرح دهد.

کرمانی در «المصباح فی اثبات الامامه» در ابتدا به تبیین عقلی و نقلی رسالت و علل وجوب انبیا اشاره دارد. وی پس از تأکید بر الزام سیاسی نبوت به توجیه عقلانی ضرورت وجوب ائمه پس از نبی اشاره می کند. وی وجود ائمه برای نگهداری دین رسول (ص) را ضروری دانسته و همچنین بر وظیفه ائمه در تاویل شریعت رسول (ص) تأکید دارد. کرمانی، ۱۹۶۹: ص ۸۰-۸۲) در ادامه در چهارده برهان به اثبات وجوب امامت پرداخته است. همچنین کرمانی در صفحات بعدی با برهان عقلی و نقلی به عصمت ائمه اشاره می کند (کرمانی، ۱۹۶۹: ص ۹۶-۹۹).

حجت العراقین در کتاب فلسفی خو به نام «راحه العقل» با استدلال و برهان های فلسفی خواستار تبیین مقام ائمه فاطمی بود. او به جهت توجیه نقلی امامت با استناد به آیات قرآن از قول خداوند که می فرماید: الله نور السموات و الارض مثل نوره کمشوه... (نور / ۳۵) معتقد است: خداوند خالق آسمان و زمین و نورانی کننده آن با حکمت خویش است، او به جهت تایید دین و حکمتش افرادی را ارسال کرد، آنان در عالم مذهب در منزلت آسمان و زمین اویند. او انبیا و اولیا را توسط فیض خویش برای هدایت بشر ارسال نمود. (کرمانی، ۱۹۲۶: ص ۵۷۶).

در ادامه کرمانی انبیا را همان مشکاه الهی می داند که توسط خداوند جز موالید روحانی اند که بواسطه وحی با علوم الهی و شریعت و مناسک آن آشنا شدند. سپس با تاکید بر

مفهوم مصباح معتقد است این مصباح شامل تمامی معارف الهی از انوار ملکوت است که مصباح الزجاجة منظور تمامی معارف الهی در اختیار انبیا و ائمه است (همان:ص ۵۷۶). وی در ادامه آیات سوره نور با ذکر آیه ۳۵ آنرا را اشاره به رسول (ص) خدا دانست که در ادامه آیه در کلمه کوکب دری را همان ائمه آشنا به معارف الهی ذکر نمود. (همان:ص ۵۷۷).

کرمانی با اشاره به مقام ائمه با توجه به آیات سوره نور «یهدی الله لنوره من یشاء» معتقد است این آیه نشانگر آن است که در هر زمان و مکانی قائمی مسئول هدایت به سمت توحید و سعادت ابدی است. (همانجا). او معتقد است در آیه «یضرب الله الامثال للناس» (نور/ ۳۵) معنی باطنی آن این دانست که امام پس از رسول خدا (ص) خلیفه اوست و به جهت نشر دعوت داعیان یا نائبان به جزایر دعوت ارسال نموده تا مردم را به توحید و معرفت درست دین فرا خوانند. (همان:ص ۵۷۸). او همانند دیگر داعیان نظام دعوت معتقد است اگر کسی از ائمه پیروی نکند دچار جهل گمراهی میشود.

۲-۴-۱۴ الموید فی الدین شیرازی

رویگرد کلامی و فلسفی داعیان ایرانی نهاد دعوت در عصر «الموید فی الدین شیرازی» و «ناصر خسرو» در زمان خلافت المستنصر با..... (۴۸۷-۴۲۷ه.ق) پی گیری شد. آنان نیز به جهت تبیین مشروعیت و مرجعیت فاطمی به روش استدلال عقلی - کلامی تمسک جستند. در این مسیر آنان نیز در عصر خویش تلاش کردند دعوت را در خارج و داخل قلمرو فاطمیان نشر دهند. الموید نیز همانند دیگر داعیان در علوم دعوت و فلسفه توانا بود، چنانچه داعیان یمن از وی علوم دعوت را آموختند (غالب، ۱۹۶۴:ص ۵۹۶). او در مجالس خویش اصول و عقاید فاطمیان را تدریس نمود. همچنین در دیوان قصایدش عقاید

اسماعیلی و تاویل قرآن-ظاهر و باطن و نظریه مثل و ممتول را با ارائه اصطلاحات فلسفی تبیین نمود (همان:ص ۶۰۲).

۲-۴-۵ ناصر خسرو

از شاگردان برجسته الموید می توان به داعی و اندیشمند برجسته ناصر خسرو اشاره نمود، حجت خراسان پس از گذراندن دوران تعلیم مبانی دعوت در قاهره، در جزیره دعوت خویش با تالیف آثاری به نشر عقاید فاطمی پرداخت. وی در آثار منظوم و منثورش به ارائه استدلال عقلی و نقلی به اثبات مقام نبوت و امامت می پردازد. حجت خراسان بعنوان کارگزار و مبلغ مذهبی دربار فاطمی در «جامع الحکمتین» اثری فلسفی در اصول و عقاید اسماعیلی است پس از اثبات خالق و وحدانیت وی در بخشی از کتاب به موضوع ابداع پرداخته او بحث را با طرح ابیاتی آغاز نمود و اینگونه سرود:

اگر بخواهم از تو دلیل بر ابداع

چه آوری که عیانم بدو کنی اخبار؟

چه چیز بود نه از چیز، چون نمایی چیز؟

چگونه دانی کرد آشکاره این اسرار؟

(ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ص ۲۱۱)

ناصر خسرو بحث را با پرسشی در قالب نظم آغاز نمود و در ادامه معتقد است ابداع یا اختیار پدید آمدن چیزی از نه چیز است، سپس به عدم توانایی بشر در ابداع اشاره نمود او نظریات گروه های متعدد از فلاسفه و دهریان در قدمت یا حدوث عالم را بیان کرده سپس به موضوع ابداع در میان پیروان اهل بیت (ع) روی آورد و از ابوالهیثم جوزجانی روایت

نمود که ایشان معتقدند: ابداع ثابت است و از قول ائمه حکما آورده که آنان نظر دهریان در قدم عالم مصنوع را رد کردند و گفتند عالم صانع موالید نیست بل مصنوع است به ذات خویش. (شیرازی، ۱۹۹۴:ص ۲۱۸).

ناصرخسرو در اغلب آثارش به جهت تبیین علمی مقام ائمه فاطمی از اثبات صانع و ابداع آغاز نموده و پس از آن قول به برتری معنوی و مادی نبوت و ائمه اشاره دارد. وی در «زادالمسافرین» دیگر کتاب فلسفی خویش پس از استدلال عقلی و نقلی در وجود صانع به بیان برتری قول بر کتابت می پردازد. وی معتقد است کتابت خاص انبیا نیست؛ زیرا کتابت دست افزار فراموش کاران است و پیامبران فراموش کار نیستند، (ناصرخسرو، بی تا:ص ۱۹۹). وی با استناد به آیات قرآن این چنین استدلال نمود که خداوند فرمود: «قد انزلنا الیکم ذکرا رسولا یتلو علیکم آبات الله مبینات» (الطلاق/۱۱) «چون رسول خدا (ص) ذکر است و کتابت آلت اهل نسیان نیست» مر اهل ذکر بدو حاجتی نیست و مر کسی را بدانچه مر او را بکار نیاید فخری نباشد. " او به برتری قول بر کتابت اشاره دارد. (ناصرخسرو، بی تا:ص ۲۰۰).

ناصرخسرو به اهمیت مقام انبیا در عالم جسمانی اشاره دارد و در ادامه در قول بیست و هفتم از کتاب خویش معتقد است چنانکه اطاعت خدا بر مردم واجب است اطاعت از انبیا نیز واجب می گردد، (ناصرخسرو، بی تا:ص ۲۶۰) در بخشی از این گفتار وی به اهمیت پدید آمدن ائمه اشاره دارد، در آغاز بحث با عنوان بیان پدید آمدن عالم خلق شخصی برتری از نوع بشر است تا با آفرینش آن شخص که به نظر ناصرخسرو خداوند ثواب نوع خویش است تا افراد بشر به سمت سعادت گام بردارند. (ناصرخسرو، ۱۳۴۱:ص ۴۶۹). او امام در عالم علوی را همانند منزلت نبات در عالم سفلی ذکر نموده و می گوید: «پس گوئیم که آن اشخاص کز اشخاص مردم به فضیلت الهی اختصاص یابد امام باشد مر خلق

را به منزلت نبات باشد از عالم بزرگ جسمی». (ناصرخسرو، ۱۳۴۱: ص ۴۷۰) او معتقد است که فضیلت امام به روح اوست که مورد تایید الهی است و دیگر مردم از آن بی نصیب اند. (ناصرخسرو، ۱۳۴۱: ص ۴۷۰) وی با استدلال عقلانی و با استناد به آیات قرآن خواستار تاکید بر مقام علوی ائمه است. به نظر می رسد تلاش فرهنگی داعیان در تدوین آثار علمی و کلامی در جهت تحکیم اقتدار مذهبی و توسعه سیاسی خلافت فاطمی در برابر رقیبان در قرون میانه اسلامی تطور بیشتری یافت.

وی در زادالمسافرین، الهیات اسماعیلی را با استفاده از آیات و احادیث به روش فلسفی و موافق عقل تفسیر و تبیین نمود (ناصرخسرو، ۱۳۴۱: ص ۳). او به جهت توجیه امامت مباحث خویش را از بیان نفس مجرد آغاز نمود (ناصرخسرو، ۱۳۴۱: ص ۷۱)، حجت خراسان با شرح نوع مردم در عالم جسمانی برتری را مختص افرادی دانست که دارای فضایل الهی هستند و آنان واسطه عالم علوی و سلفی هستند. لذا، به دیدگاه وی امام فضیلت روحی دارد چون دارای تایید الهی است. بی شک او نیز سلسله مراتب دعوت دینی اسماعیلیان را با توجه به ادله نقلی و عقلی ارائه می دهد. همچنین، حجت فاطمی، در وجه دین اثری در تاویل عقاید و احکام اسلامی به روش مکتب اسماعیلیان، در آن جهان بینی دینی اسماعیلی را مطرح نمود. او در کلام فلسفی خویش همانند دیگر آثارش ابتدا با خلقت انسان آغاز نمود و سپس به برتری برخی افراد به جهت رهبری و هدایت بشر اشاره نمود. او با طرح ظاهر و باطن به اهمیت عبادت علمی در کلام اسماعیلی تاکید کرد (ناصرخسرو، ۱۳۴۸: ص ۱۳-۷۹). علاوه بر آثار مثنوی، وی در اشعارش با ابراز عقاید فاطمی با تشبیه و کنایه در کنار اصطلاحات فلسفی پرداخته است. او در خوان اخوان و جامع الحکمتین نیز با کلام فلسفی با نثر فارسی روان و با انسجام درونی جملات، همانند دیگر آثارش به تفسیر و تبیین آثار اسماعیلی می پردازد (ایوانف، ۲۰۰۷: ص ۴۴۸-۴۵۲). با

توجه به مطالب ارائه شده به نظر می‌رسد داعیان در عصر خویش به جهت تفسیر و تبیین الهیات اسماعیلی و تقویت قدرت مذهبی - سیاسی امام - خلیفه فاطمی از اصطلاحات و برهان‌های فلسفی موافق با آئین اسلامی استفاده نمودند.

۳- نتیجه‌گیری

اسماعیلیان از جمله فرقه‌های مهم شیعی هستند که در سده دوم هجری ظهور کردند؛ و بعدها گروهی از آنان توانستند خلافت فاطمی را در مغرب و سپس در مصر بر پا دارند. با گذشت زمان و در جریانات بعدی، به تدریج ویژگی‌های خاص کلام سیاسی اسماعیلیه متمایز از کلام سیاسی شیعیان اثنی‌عشری و زیدی شکل گرفت. فاطمیان و قرامطه از جمله مهم‌ترین جریانات اسماعیلی بودند که توانستند به کلام سیاسی اسماعیلی شکل دهند و در این میان داعیان ایرانی نهاد دعوت نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کردند. داعیان ایرانی مانند ابو یعقوب سجستانی و احمد بن ابراهیم نیشابوری و حمیدالدین کرمانی و ناصر خسرو به نهاد دعوت فاطمیان برای ضرورت نصب امام، به دلایل عقلی و نقلی متمسک می‌شوند؛ و همانند امامیه در دلایل نقلی خود به ادله قرآنی و روایی استدلال، و امامت حضرت علی (ع) را اثبات می‌کنند. به اعتقاد آنها، تفسیر و بیان ظاهر و تنزیل قرآن وظیفه پیامبر (ص) و تأویل و ارشاد به باطن آن، وظیفه امام و وصی و جانشین اوست. آنان با برهان‌های کلامی - فلسفی و مذهبی راه جدیدی برای نگرش به جهان و بیان نقش انسان ارائه دادند تا با تلفیق حقیقت دینی با حقیقت علمی دعوت شبه سیاسی امام فاطمی را نشر دهند. نکته حایز اهمیت، پیوند یافتن کلام سیاسی اسماعیلیان با مباحث و گرایش‌های فلسفی است. جریان باطنی‌گرای اسماعیلی با اولویت دادن به گرایش‌های عقلی بیشتر به ترویج و گسترش آموزه‌های فلسفی، و به تبع آن فلسفه سیاسی، همت گماشت. بنیادی‌ترین عقیده داعیان تاکید بر اندیشه امامت بود، او را سرچشمه زنده همه دانش‌ها ذکر نمودند که وارث فکری

و علمی پیامبر(ص) بود. در این مدعا آنان امام فاطمی را دانای علوم باطنی ذکر نمودند. مهم‌ترین ویژگی روش‌شناختی کلام سیاسی اسماعیلی را باید در خصلت عقل‌گرایی، و نیز در عین حال باطنی‌گرایی آن، جست‌وجو کرد. به دلیل شرایط سخت اسماعیلیان، برقراری مناظرات علمی باطنیان ایرانی در ترویج و بسط عقاید فاطمی نقش بارزی داشت. داعیان ایرانی در آثار و مناظرات خویش با تاکید بر خرد ورزی نوعی باز اندیشی دینی در جامعه اسلامی برقرار ساختند. آنان در عرصه دین و حکمت بر خرد ورزی اصرار داشتند. از مهم‌ترین اقدامات در جهت تقویت عقلانیت، با تدریس و تعلیم این اندیشه به دیگران القا می‌کردند. اهمیت عقلانیت و خرد ورزی در میان داعیان ایرانی تطور یافت. به طوری که ناصر خسرو در آثارش به این امر اشاره دارد، در اغلب اشعار حجت خراسان عناصر دینی را با تحلیل عقلانی تفسیر نمود و دین بی برهان و خرد را بیهوده دانست. وبه نظر می‌رسد تلاش فرهنگی داعیان در تدوین آثار علمی و کلامی در جهت تحکیم اقتدار مذهبی و توسعه سیاسی خلافت فاطمی در برابر رقیبان در قرون میانه اسلامی تطور بیشتری یافت.

۴- منابع و ماخذ:

- ۱- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، بیروت، دارالفکر، (بی تا)
- ۲- ایوانف، ولادیمیر، الموت و لاماسار، مترجم جمانه رستم، دمشق، نشر التلوین، (۲۰۰۷).
- ۳- بادکوبه هزاوه، احمد، علی بیات، زینب فضلی، سیاست مذهبی فاطمیان در مصر در دوره اقتدار (۳۵۸ ۴۲۷ ه.ق)، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال اول، شماره سوم، تهران، (۱۳۸۹).
- ۴- بدره‌ای، فریدون، ادبیات اسماعیلی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، (۱۳۸۳).
- ۵- تامر، عارف، خمس رسائل اسماعیلیه، سوریه، دارالانصاف، (۱۹۵۶).
- ۶- جان احمدی، فاطمه، مبانی مشروعیت خلافت فاطمیان مصر، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال چهاردهم، (۱۳۸۳).

- ۷- دفتری، فرهاد، تاریخ عقائد اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: نشر فرزاد روز، (۱۳۷۵)
- ۸-.....، سنت‌های عقلانی در اسلام، مترجم فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد روز، (۱۳۸۰).
- ۹- دهباشی، فاطمه، نقش الموید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان، راهنما، دکتر فاطمه جان احمدی، تهران، دانشگاه الزهراء، (۱۳۹۰).
- ۱۰- رازی، ابو حاتم احمد بن حمدان، الاصلاح، به اهتمام حسن مینو چهر و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۱۱- سجستانی، ابویعقوب، الاقتحار، تحقیق مصطفی غالب، بی جا، دارالاندلس، (۱۹۸۰).
- ۱۲-.....، کشف المحجوب، تحقیق هنری کوربن، تهران، طهوری، (۱۳۶۷).
- ۱۳-..... اثبات النبوات، تحقیق عارف تامر، بیروت، مطبعة الكاثولیکیه، (۱۹۶۶).
- ۱۴- سلطانی، ابراهیم، احمد نراقی، کلام فلسفی، تهران، موسسه فرهنگی صراط، (۱۳۸۴).
- ۱۵- شیرازی، الموید فی الدین، سیره داعی الدعاه الموید فی الدین داعی الدعاه، محمد کامل حسین دارالکاتب المصری، شرکه مساهمه مصریه، (۱۹۴۹).
- ۱۶-.....،المجالس المویديه، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، دارالاندلس، (۱۹۹۸).
- ۱۷-.....، دیوان الموید فی الدین داعی الدعاه، تحقیق محمد کامل حسین، بیروت، دارالمنتظر، (۱۹۹۶).
- ۱۸- عطایی نظری، حمید، نقش فیاض لاهیجی در فلسفی شدن کلام شیعه، فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین، سال ۷، شماره ۲۶، قم، (۱۳۹۰).
- ۱۹- غالب، مصطفی، الاعلام الاسماعیلیه، بیروت، دارالیقظه، (۱۹۶۴).
- ۲۰- فواد، ایمن، الدوله الفاطمیة فی مصر، بیروت: مکتبه الاسره، (۲۰۰۷).
- ۲۱- کرمانی، حمیدالدین، المصابیح فی اثبات الامامه، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، منشورات احمد، (۱۹۶۹).
- ۲۲-.....، راحه العقل، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، دارالاندلس، (۱۹۶۷).
- ۲۳-.....، مجموعه رسائل (مباسم البشارات)، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، بی جا، (۱۹۸۳).

- ۲۴- مقریزی، احمد بن علی، احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار، لبنان، احیاء العلوم، (بی تا).
- ۲۵- ناصر خسرو قبادیانی، خوان الاخوان، تصحیح علی قویم، تهران، کتابخانه بارانی، (ب:۱۳۳۸).
- ۲۶- دیوان ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، سمت، (۱۳۶۵).
- ۲۷- وجه دین، تهران، طهوری، (۱۳۴۸).
- ۲۸- جامع الحکمتین، تصحیح هانری کوربن، تهران، طهوری، (الف:۱۳۳۸).
- ۲۹- زادالمسافرین، تهران، نشر بوذر جمهوری، (۱۳۴۱).
- ۳۰- سفرنامه، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار، (۱۳۷۵).
- ۳۱- زاد المسافرین، تهران، نشر محمودی، (بی تا).
- ۳۲- نصیری، محمد، امامت از دیدگاه اسماعیلیان، مجموعه مقالات، قم، مرکز ادیان و مذاهب، (۱۳۸۰).
- ۳۳- نیشابوری، احمد بن ابراهیم، اثبات الامامه، تحقیق مصطفی غالب، بیروت، دارالاندلس، (۱۹۸۴).
- ۳۴- هاجسن، مارشال، گ.س، فرقه اسماعیلیه، ترجمه و مقدمه و حواشی: فریدون بدره ای، تهران، علمی و فرهنگی، (۱۳۶۹).
- ۳۵- واکر، پل ای، حمیدالدین کرمانی تفکر اسماعیلی در دوره الحاکم بامرالله، مترجم فریدون بدره ای، تهران، بی جا، پل، (۱۳۷۹).
- ۳۶- پژوهشی در یکی از امپراطوری‌های بزرگ، (تاریخ فاطمیان و منابع آن)، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، نشر فرزانه روز، (۱۳۸۳).